

علل بروز تعارض‌های اجتماعی در حفاظت از میراث معماری* مطالعه موردی: مجموعه ثبت جهانی گنبد و ارگ سلطانیه

علیرضا رازقی^{**}، محمدتقی پیربابایی^۲، حمید ندیمی^۳

^۱ استادیار گروه مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر، تهران
^۲ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز
^۳ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۵

چکیده

موضوع حفاظت از میراث فرهنگی در شهر سلطانیه زنجان به لحاظ فرارگیری مجموعه میراث جهانی گنبد و ارگ سلطانیه در این شهر از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله در صدد شناخت تعارض‌های اجتماعی در حفاظت از گنبد و ارگ سلطانیه است که با بهره‌گیری از روش پیمایش‌های میدانی مرتبط با موضوع انجام یافته است. چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر تعمیم مباحث روان‌شناسی اجتماعی به موضوع حفاظت مردمی از میراث فرهنگی معماری است. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل در بروز تنش و تعارض‌های اجتماعی در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی معماری در این شهر مؤثر بوده است. از جمله مهم‌ترین عوامل عبارتند از: کمبود هم‌پیوندی میان اصول و مبانی میراث فرهنگی با نیازها و تقاضای مردمی، تملک یک‌باره حدود ۱۰ هکتار از شهر کوچک سلطانیه به عنوان عرصه گنبد و ارگ پیرامون آن، برخورد‌های ناهماهنگ و مقطعی در فرآیند اجرایی تملکات، اختلال در سامان‌دهی محوطه پیرامون گنبد و دیگر محدوده‌های تاریخی- فرهنگی شهر، تعارض گروه‌های اجتماعی شاغل در محدوده عرصه گنبد و ارگ با نظام اداری مربوط به حفاظت.

واژگان کلیدی: تعارض اجتماعی، حفاظت، میراث معماری، گنبد و ارگ سلطانیه.

رسید. این مقاله علل بروز تنش و تعارض‌های اجتماعی با میراث فرهنگی در سلطانیه و نیز مسائل مختلف حاصل از بازخوردهای تعیین عرصه ارگ گنبد سلطانیه و حفاظت از آن را بررسی و تحلیل می‌کند.

۱. چارچوب نظری

شناسایی عواملی که هر یک به نحوی منجر به نسبت دادن صفت یا صفاتی منفی از جانب افراد به میراث فرهنگی گردد و به تبع آن برداشت‌های خاصی از موقعیت را باعث شود، موضوع اصلی جستجو در مورد پژوهی مقاله حاضر است. چارچوب نظری این جستجو مبتنی بر تعمیم یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی، به موضوع میراث فرهنگی و حفاظت از آن است.

ایجاد تعامل و تعادل توأم با شناخت، میان «وجه تاریخی - فرهنگی ظروف زندگی‌های دیروز» از یک سو و «نیازها و خواسته‌های متناسب با زندگی امروز» از سوی دیگر، مستلزم حذف یا کنترل سوء برداشت‌ها، تنش‌ها و تعارض‌های اجتماعی با رویکردهای حفاظتی است. در امر حفاظت، برخوردهای ناشی از تأکید صرف بر ارزش‌های کالبدی - تاریخی در عین کم‌توجهی به نیازها، خواسته‌ها و وجه بومی - فرهنگی جامعه، نشانه فقدان «رویکردی جامع با تأکید بر جمیع عوامل و ارزش‌ها» است. برقراری تعادلی پایدار میان «نیازها و خواسته‌های اجتماعی» و «سیاست‌ها و روش‌های حفاظت از میراث فرهنگی» از اهمیت و حساسیت خاص برخوردار است (Ercan, 2010: 1). چنان‌چه میان شاخص‌های یاد شده عدم تطابق وجود داشته باشد، اختلالاتی ایجاد می‌شود که به بروز تنش‌ها و تعارض‌های اجتماعی در امر حفاظت منجر خواهد شد. علی‌رغم آن که از دریچه نگاه تخصصی نسبت به موضوع، میراث فرهنگی عاملی مؤثر و اساسی برای توسعه پایدار محسوب می‌گردد (Barillet and Others, 2006: 6)، لیکن چنان‌چه ضوابط و قوانین حفاظتی بازدارنده توأم با کم‌توجهی به وجوه اقتصادی تأثیرگذار بر زندگی مردم باشد، قطعاً با عدم اقبال عمومی در پذیرش و تعاملات مثبت اجتماعی مواجه می‌شود.

کنش‌ها و واکنش‌های گروه‌های مختلف مردم در هر جامعه می‌تواند یکی از منابع مؤثر در پردازش پندارها و باورهای عمومی نسبت به میراث فرهنگی باشد. این امر از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی تا بدان جا اهمیت دارد که گفته می‌شود تصویری که افراد از یک موضوع در ذهن خود می‌سازند، می‌تواند تحت تأثیر تصویری باشد که دیگر افراد آن جامعه از آن موضوع ایجاد کرده‌اند. در این باره، مورتون دوچ و روبرت کراوس به نقل از هایدلر، مردم را تحت تأثیر محیط‌های شخصی و غیرشخصی خود معرفی می‌نمایند (دوچ، ۱۳۸۶: ۴۰). این اصل در مورد موضوع میراث فرهنگی و حفاظت مردمی از آن نیز صادق است. دیدگاه‌های افراد جامعه نسبت به میراث فرهنگی و نیز مشارکت ایشان در فعالیت‌های حفاظتی، عمدتاً بر اساس آگاهی از معنای علمی و حقیقی میراث فرهنگی شکل نمی‌گیرد، بلکه تا حد زیادی، تابعی از ادراکاتی است که در تصور آن‌ها از موضوع ایجاد شده است.^۱

موضوع حفاظت از میراث فرهنگی، مسأله‌ای پیچیده و پراهمیت است که بر حسب گستردگی مفاهیم «میراث فرهنگی»^۱ و جوه متعدد دارد. در این مقاله آن‌چه از مجموعه میراث فرهنگی مدنظر واقع گردیده، زیرمجموعه «میراث معماری»^۲ است. در امر حفاظت از میراث معماری نوع نسبت مردم و نیز جایگاه و نقش آن‌ها در پیشبرد آن، در مقایسه با انواع دیگر میراث فرهنگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت به حدی است که جایگاه و نقش یادشده به مثابه عاملی مؤثر می‌تواند منجر به پویایی فرآیندهای حفاظتی گردد یا بالعکس در فضایی آمیخته به تنش و تعارض‌های اجتماعی منجر به بازدارندگی و بروز مسائل مختلف در پیشبرد فرآیندهای حفاظتی شود. البته بروز حالت خنثی و بی‌تفاوت نسبت به موضوع نیز در حد واسط حالات یاد شده قرار می‌گیرد. پدیداری هر یک از حالات یاد شده، معلول عللی است که مطالعه در چیرستی و چگونگی بروز آن‌ها واجد اهمیت و ضرورت خاصی است.

جامعه بومی شهر سلطانیه به این دلیل به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است که بنا بر شواهد موجود، در این شهر بروز نسبت‌های اجتماعی نامناسب با میراث فرهنگی و حفاظت آن، وجوه گوناگونی از مسأله را می‌تواند آشکار نماید؛ به خصوص که این مسأله در موارد متعدد به تنش‌ها و تعارض‌های اجتماعی در این باره منجر شده است. مقاله حاضر حاصل پژوهشی است در باب مطالعه و شناسایی علل بروز این پدیده، که به اتکای ادبیات حاصل از مستندات پیشین^۳ و نیز پیمایش‌های میدانی گسترده، انجام پذیرفته است.

سؤال‌های اساسی تحقیق عبارت است از:

- علل اصلی بروز تعارض‌های اجتماعی با میراث فرهنگی و حفاظت از آن در نمونه موردی تحقیق کدامند؟
- از این مورد پژوهی چه درس‌هایی در جهت پیشگیری از بروز آسیب‌ها در موقعیت‌های مشابه می‌توان آموخت؟

یافته‌ها و نتایج تحقیق بر مبنای طبقه‌بندی و تحلیل مصاحبه‌های عمیق صورت پذیرفته در سلطانیه و نیز بررسی اسناد، مدارک و پرونده‌های قضایی مرتبط با موضوع به دست آمده‌اند. شهر سلطانیه با جمعیت ۷۰۰۰ نفر در ۳۵ کیلومتری شرق زنجان واقع شده است و در گروه شهرهای کوچک قرار می‌گیرد. عناصر ارزش‌مند معماری تاریخی - فرهنگی موجود در این شهر، هم‌چون اثر ثبت جهانی گنبد سلطانیه، چلبی اوغلی، آرامگاه ملا حسن کاشی، تپه باستانی ناهور و بقایای مسجد جمعه، متعلق به دوران پیش از اسلام تا صفویه هستند که شاخص‌ترین آن‌ها به لحاظ پایتخت بودن سلطانیه در دوره ایلخانی، متعلق به قرن هشتم ه.ق. است.

اثر معماری تاریخی - فرهنگی گنبد سلطانیه از نخستین بناهای ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران است. این بنا از اوایل دهه گذشته برای ثبت در فهرست آثار جهانی مورد توجه واقع گردید و در نهایت در تیرماه سال ۱۳۸۴ به ثبت آثار جهانی یونسکو

علاوه بر آن، افراد و گروه‌های اجتماعی همه اطلاعاتی را که در باره میراث فرهنگی و حفاظت از آن ارائه می‌شود، ضرورتاً نمی‌پذیرند، بلکه از آن میان حسب نیازها و خواسته‌های خود مواردی را به شیوه قابل قبول خود انتخاب و تحلیل، تفسیر و حتی توجیه می‌کنند. نظریه پردازانی هم چون آتکینسون^۵، مازلو^۶ و کلی‌لند^۷ معتقدند مردم به نحوی رفتار می‌نمایند که نیازها و خواسته‌های‌شان ارضا شود (حق، ۱۳۹۰: ۱۹۷)؛ هر چند بین نیازها و خواسته‌ها تمایز روشنی مشاهده نمی‌شود. از آن جا که محروم شدن از نیازها - در مقایسه با خواسته‌ها- منجر به بروز زبان‌های جدی‌تری خواهد بود (بلیک مور، ۱۳۸۹: ۵۵)، به نظر می‌رسد لازم است در گام نخست، زمینه برآورده شدن نیازهای اجتماعی مرتبط با حفاظت از میراث فرهنگی توأم با اعتمادسازی و شفاف‌سازی فراهم شود و کیفیتی از ارتباط مبتنی بر نظام «برد - برد» ایجاد گردد (Dahlberg and Burlando, 2009: 2). منظور از نظام «برد - برد» در این‌جا، برآورده شدن اهداف حفاظت در عین تأمین انگیزش‌های مشارکتی برای مردم است؛ موضوعی که فقدان یا اختلال آن در نمونه مورد بررسی مشهود است.

معمولاً قصد و نیت برنامه‌ریزان و متخصصان میراث فرهنگی در تعارض و تضاد با مردم نیست و به تبع آن، چه‌بسا سعی دارند وجوه علمی و تاریخی موضوع را به لحاظ ارزش‌های معطوف به هویت و اصالت فرهنگی به مخاطبان و مردم ارائه نمایند. حال آن‌که در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود برداشت‌ها و پندارهای عمومی نسبت به موضوع آن چنان که انتظار می‌رود، نیست^۸ (Chapagain, 2008: 24). یکی از تأثیرات ضوابط، قوانین و عملکردهای نهاد میراث فرهنگی بر افراد و گروه‌های مختلف مردمی، شکل‌گیری ادراکاتی اجتماعی از موضوع است. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، در این مرحله زمینه نسبت دادن صفاتی منتج از ادراکات ایجاد شده، از جانب مردم به میراث فرهنگی، مهیاست (بدر، ۱۳۸۷: ۶۲).

صفاتی^۹ که مردم به واسطه ادراکات^{۱۰} خود به «میراث فرهنگی» نسبت می‌دهند، به تدریج برداشت‌های^{۱۱} مختلفی را در اذهان عمومی نسبت به موضوع ایجاد می‌کند. این برداشت‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای^{۱۲} افراد جامعه نسبت به موضوع میراث فرهنگی خواهد شد. «باورها» اندیشه‌هایی هستند که افراد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارند (پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱۲). چنان‌چه افراد میان باورها (مثلاً میراث فرهنگی دوست‌داشتنی است) و استنتاج‌های واقعی (مثلاً سود قابل‌پذیرشی از میراث فرهنگی به ما نمی‌رسد) ناهماهنگی احساس نمایند، سعی خواهند کرد که با تغییر باورهای‌شان این ناهماهنگی را کاهش دهند (نظریه ناهماهنگی شناختی) (پی. یونک، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

یکی از دلایل تفاوت در باورهای افراد نسبت به موضوع میراث فرهنگی، احتمال وجود استنتاج‌های خاص اجتماعی در قالب برداشت‌های موضعی متمایز و حتی اشتباه از موضوع است؛ چرا که گاه فرآیند شکل‌گیری برداشت‌های افراد از موضوع میراث فرهنگی، می‌تواند از خواسته‌ها و گرایش‌های دلخواه آن‌ها نیز باشد، به نحوی

که میان «آن چه ادراک شده» و «آن چه برداشت می‌شود» تمایز نسبی ایجاد می‌گردد. در این‌گونه موارد احتمال بروز تعارض مبتنی بر پیش‌داوری^{۱۳} نیز وجود دارد که می‌تواند با تأثیر در نوع نگرش افراد، تبعات شناختی، عاطفی و رفتاری خاص خود را به دنبال داشته باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۵۹). علاوه بر آن ممکن است در مواردی ادراک افراد از میراث فرهنگی مبتنی بر وجوه هویتی و اصالتی باشد، ولی حسب برخی خواسته‌ها و تمایلات اقتصادی یا انگیزه‌های دیگر، برداشت‌هایی از موضوع صورت پذیرد که جهت‌گیری‌های خاصی توأم با خطا نسبت به وجوه هویتی و اصالتی را به دنبال داشته باشد، تا بدان‌جا که حتی این امکان وجود دارد برداشت‌های افراد در نهایت در تعارض با موضوع حفاظت از میراث فرهنگی قرار گیرد. هرچه باور افراد نسبت به فرضیه‌ای قوی‌تر شود، باور آن‌ها نسبت به فرضیه جایگزین آن ضعیف‌تر می‌شود (کاندا، ۱۳۸۸: ۱۷۵). در چنین شرایطی تأمین و تبیین بستر مناسب برای ایجاد مشارکت‌های حفاظتی مردم از پیچیدگی‌های خاص برخوردار خواهد بود. لذا از منظر برنامه‌ریزی این فرض وجود خواهد داشت که در نخستین گام مواجهه با این مسأله لازم است نیازها، خواسته‌ها و تمایلات مؤثر اجتماعی شناسایی شود و نسبت به تأمین یا سامان‌دهی آن‌ها برنامه‌ریزی و اقدام مقتضی به عمل آید.

بنابراین همان‌گونه که مطرح شد دو مورد از محورهای پر اهمیت در شکل‌گیری برداشت‌های نهایی افراد از موضوع میراث فرهنگی عبارتند از: «تبعات منتج از نحوه مواجهه سیستم برنامه‌ریز و مجری با موضوع میراث فرهنگی و مسائل مرتبط» و «نیازها، خواسته‌ها و تمایلات گروه‌های اجتماعی مختلف». چنان‌چه این دو مورد توجه، برنامه‌ریزی و مدیریت اصولی واقع نشود، قطعاً تبعاتی را در پی خواهد داشت که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

۲. روش تحقیق

مقاله حاضر گزارش تحقیقی است که با هدف مطالعه و تحلیل مجموعه علل بروز فواصل و تعارض‌های اجتماعی با میراث فرهنگی معماری و حفاظت از آن انجام شده است. جامعه بومی شهر سلطانیه بنا بر شواهد موجود و نیز پیشینه سنجش‌های انجام شده، توسط مؤلفان و همکاران در سال‌های گذشته نمونه‌گویی از نسبت‌های اجتماعی نامناسب با میراث فرهنگی و حفاظت از آن است که طی یک دهه اخیر مشاهده شده است. از این رو، مجموعه میراث جهانی گنبد سلطانیه و جامعه بومی شهر سلطانیه به عنوان نمونه مورد تحقیق، مد نظر قرار گرفت تا علل بروز فواصل و تعارض‌های اجتماعی نسبت به میراث فرهنگی و حفاظت از آن، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل علمی واقع شود.

پژوهش و مطالعه در این تحقیق مبتنی بر روش سنجش نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی^{۱۴} در ارتباط با موضوع حفاظت از میراث معماری بوده است.

از آن‌جا که نگرش افراد نسبت به هر موضوع به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیست، از رویکرد استنباطی استفاده شده است. منظور از استنباطی بودن سنجش نگرش این است که از طریق مصاحبه

بر این اساس، تحقیق در این مقاله به صورت موردپژوهی است که در جامعه بومی شهر سلطانیه در دو مقیاس منابع و مستندات «شفاهی» و «مکتوب» مرتبط با میراث فرهنگی معماری، صورت پذیرفته است.

منابع شفاهی، مصاحبه‌هایی است که به شیوه نیمه‌ساختاریافته با پنج گروه نمونه از جمعیت آماری تحقیق انجام شده است. گروه‌های نمونه جمعیت آماری تحقیق، شاخص‌های مورد سنجش در مصاحبه‌ها و نیز تعداد افراد مصاحبه شده در هر گروه، در قالب جدول شماره ۱ آمده است.

منابع مکتوب مورد بررسی شامل کلیه مستندات اداری و پرونده‌های قضایی موجود در بایگانی و مرکز اسناد مجموعه میراث جهانی گنبد سلطانیه از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ ه.ش. است. نوع مستندات مکتوب، محورهای مورد جستجو در آن مستندات و نیز تعداد موارد بررسی شده از هر نوع، در قالب جدول شماره ۲ گزارش شده است.

نیمه‌ساختاریافته نظر فرد درباره مجموعه‌ای از باورهای ارزشی مورد سنجش قرار گرفته است. آن چه در این روش تحقیق، مقیاس نگرش‌سنج نامیده می‌شود، همین مجموعه باورها و نگرش‌هاست که فرد نظر خود را درباره آن‌ها بیان می‌کند (بدار، ۱۳۸۷: ۹۳). با به‌دست آوردن جمع کل پاسخ‌ها، ارزش آن‌ها معلوم می‌شود و این که نگرش افراد نسبت به موضوع تا چه حد مثبت یا منفی است. تحلیل یافته‌ها بر مبنای چارچوب نظری تحقیق انجام شده که بر اساس تعمیم مباحث روان‌شناسی اجتماعی به موضوع حفاظت مردمی از میراث فرهنگی معماری شکل گرفته است.

در بحث رفتارسنجی، به آن دلیل که رفتارهای صورت پذیرفته افراد نسبت به موضوع میراث فرهنگی معماری و حفاظت از آن در چند دهه گذشته قابل استخراج است، از طبقه‌بندی و تحلیل رفتارهای انجام شده قبلی مبتنی بر رویکرد مستندنگاری استفاده شده است. آن چه در این روش، مقیاس رفتارسنج نامیده می‌شود مستندات رفتاری است که پس از طبقه‌بندی، بر مبنای چارچوب نظری تحقیق تحلیل شده‌اند.

جدول شماره ۱: منابع شفاهی تشخیص عوامل تنش و تعارض‌های اجتماعی

ردیف	گروه‌های نمونه جمعیت آماری	تعداد	محورهای مورد سنجش
۱	هیئت امنای مساجد علامه حلی و جامع سید ابراهیم (هر دو واقع در محدوده ارگ گنبد سلطانیه)	۱۲ نفر نماینده از هیئت امنای مساجد	نیازها و خواسته‌های ایشان نسبت به توسعه، احیا و سامان‌دهی مساجد مرتبط. دیدگاه‌های ایشان نسبت به معضلات و مسائل پیش رو ناشی از فعل حفاظت. دیدگاه‌های ایشان نسبت به میراث فرهنگی و برنامه‌های حفاظتی.
۲	مالکان اراضی افزاز نشده رضآباد و قانلوبلاغ (راضی ورودی شمال غربی شهر سلطانیه)	۲۰ نفر از مجموع مالکان	دیدگاه‌های ایشان نسبت به طرح مسأله تصرفات عدوانی اراضی. نیازها و خواسته‌های ایشان نسبت به نحوه بهره‌برداری از اراضی و مایملک خود. دیدگاه‌های ایشان نسبت به میراث فرهنگی و برنامه‌های حفاظتی.
۳	مالکان سابق پلاک‌های واقع در محدوده عرصه ارگ گنبد سلطانیه	۳۰ نفر از مالکان	دیدگاه‌های ایشان نسبت به تملک‌های صورت پذیرفته. مشکلات فرآیند اجرایی تملکات صورت پذیرفته از دیدگاه ایشان. دیدگاه‌های ایشان نسبت به میراث فرهنگی و برنامه‌های حفاظتی.
۴	شاغلین مجموعه میراث جهانی گنبد سلطانیه	۵۷ نفر (از شاغلان)	دیدگاه‌های ایشان نسبت به مشکلات حرفه‌ای خود و تأثیرات آن بر خانواده و دیگر مرتبطان. علل بروز تحصن‌های متعدد شغلی در شهر و استان و بازخوردهای اجتماعی آن. دیدگاه‌های ایشان نسبت به میراث فرهنگی و برنامه‌های حفاظتی.
۵	مدیران و مسئولان ذی‌ربط شهری (سلطانیه) و استانی (زنجان)	۲۷ نفر مدیر و مسئول مرتبط	دیدگاه‌های ایشان نسبت به دلایل وجود تعارض میان میراث فرهنگی سلطانیه با جامعه و دیگر سازمان‌ها با تأکید بر اعضای شورای شهر و شهرداری، استانداری، فرمانداری و بخشداری. نیازها و خواسته‌های ایشان نسبت به میراث فرهنگی در مقیاس شهر و منطقه. دیدگاه‌های ایشان نسبت به میراث فرهنگی و برنامه‌های حفاظتی.
	مجموع	۱۴۶	

ردیف	گروه‌های نمونه جمعیت آماری	تعداد	محورهای مورد سنجش
۱	متن مکاتبات، مصوبات و جلسات اداری و گزارش‌های عملکرد پایگاه میراث جهانی گنبد سلطانیه در یک دهه گذشته.	۵۳	مصوبات و مکاتبات مرتبط با موضوع در مقیاس کشور، استان و شهرستان. مصوبات ارسالی سفرهای استانی شورای اداری استان زنجان به سلطانیه، در مورد موضوع. (سفرهای شهریورماه ۱۳۹۰ و پیش از آن) نحوه عملکرد مجموعه میراث جهانی گنبد سلطانیه بر مبنای گزارش‌های سالیانه مربوطه.
۲	پرونده‌های قضایی، دعاوی و تنش‌های لفظی و فیزیکی میان مردم و میراث فرهنگی در سلطانیه طی یک دهه گذشته.	۳	موضوع و فرآیندهای بروز پرونده‌های قضایی مربوط به تخطی از ضوابط عرصه و حرایم حفاظتی گنبد سلطانیه از جمله ساخت و سازهای تجاری ورودی شمالی شهر در اواسط دهه ۸۰ ه.ش، ساخت و سازهای مسکن مهر، مداخلات ناسازگار ساختمانی و سامان‌دهی در مجاورت ساختمان‌های باقیمانده در محوطه عرصه ارگ. فرآیندهای بروز دعاوی لفظی و فیزیکی در باره مقوله تملکات عرصه ارگ و اراضی باستانی شهر.
	مجموع	۵۶	

۳. یافته‌ها

در مجموعه میراث جهانی گنبد سلطانیه، از سوی مقام متولی میراث فرهنگی در شهر سلطانیه، طی سال‌های متوالی اقدامات متعددی از دریچه تخصصی حفاظت، مرمت و احیای کالبدی در دستور کار قرار داشته و به اجرا رسیده است. البته حسب بررسی‌های صورت پذیرفته در کارنامه این اقدامات، ردپای چندانی از فعالیت‌های حوزه توان‌مندسازی مردم^{۱۵}، به معنای ایجاد معرفت عمومی نسبت به ارزش‌های میراث فرهنگی و نحوه مواجهه با آن، دیده نمی‌شود.



تصویر شماره ۱: گنبد سلطانیه و محدوده ارگ پیرامون آن پس از آزادسازی؛ مأخذ: مجموعه میراث جهانی گنبد سلطانیه

در بررسی علل بروز نسبت‌های اجتماعی نامناسب با موضوع میراث فرهنگی، جمیع شواهدی که هر یک به نحوی موعید بروز تنش یا تعارض با میراث فرهنگی محسوب می‌شوند، از طریق تحلیل مصاحبه‌ها و نیز مستندات مکتوب (موضوع جداول شماره ۱ و ۲) شناسایی و مورد طبقه‌بندی و تحلیل واقع شدند. یافته‌های این مقاله در خصوص «عوامل ایجادکننده تنش و تعارض‌های اجتماعی» در پنج دسته قابل تنظیم است. در ادامه پنج دسته عوامل شناسایی شده، با ذکر منابع تشخیص و نیز پیامدهای اجتماعی هر دسته، گزارش می‌شود.

۳-۱. کمبود هم‌پیوندی میان اصول و مبانی «میراث فرهنگی» با «نیازها و تقاضاهای مردمی»
این دسته از عوامل، از بررسی و تحلیل منابع شفاهی ردیف‌های ۱

۲ (جدول شماره ۱) و نیز منابع مکتوب ردیف‌های ۱ و ۲ (جدول شماره ۲) شناسایی شده است. اتفاقاتی که تأثیرگذاری خود را در روند شکل‌گیری این دسته از عوامل نشان می‌دهند، عبارتند از:

- نقصان در توانمندسازی جامعه نسبت به مبانی و مبادی حفاظت و توسعه سازگار با وجوه تاریخی - فرهنگی،
- نقصان در ایفای نقش مؤثر آثار تاریخی - فرهنگی شهر در نظام درآمدی و معیشتی اهالی بومی سلطانیه،
- بروز حساسیت‌های عمومی مبنی بر جدا بودن گنبد از زندگی مردم به لحاظ نحوه مواجهه متولی میراث فرهنگی با فرآیند مرمت و احیای محدوده‌های تاریخی - فرهنگی.
- پیامدهای اجتماعی این روند را می‌توان به شرح زیر احصا نمود:
- عقیم ماندن انتظارات عمومی نسبت به میراث فرهنگی معماری،
- افزایش تعارض‌های اجتماعی با میراث فرهنگی به لحاظ عدم تأمین انتظارات اقتصادی و توسعه‌محور جامعه،
- اقدامات موضعی ناسازگار با مبانی حفاظت و احیای میراث فرهنگی از قبیل تلاش در ساخت و سازهای جدید ناسازگار با ضوابط حفاظتی معماری سنتی مجموعه در قالب نمونه‌های متعدد تجاری، مسکونی و دیگر کاربری‌ها با توجیه‌های اقتصادی، توسعه‌ای و سامان‌دهی.

۳-۲. تملک یکباره حدود ۱۰ هکتار از اراضی شهر کوچک سلطانیه

شواهد دال بر وجود این دسته از عوامل، حاصل تحلیل منابع شفاهی ردیف‌های ۲، ۳ و ۵ (جدول شماره ۱) و نیز منابع مکتوب ردیف ۱ (جدول شماره ۲) است. این شواهد نشان می‌دهد مهم‌ترین اقداماتی که در روند شکل‌گیری این دسته عوامل مؤثر بوده‌اند، عبارتند از:

- تملک و تخریب پلاک‌های شخصی و عمومی ساخته شده در محدوده عرصه ارگ، پیرامون گنبد سلطانیه، توسط نهاد متولی میراث فرهنگی،
- تزیین مقادیر زیادی پول بابت تملک‌ها از جانب متولی میراث فرهنگی به جامعه کوچک وقت سلطانیه.

توجه کم‌تر نسبت به اقدامات کلان و در عین حال تأثیرگذار بر محیط نظیر سامان‌دهی محدوده‌های تملک و آزادسازی عرصه و نیز دیگر محدوده‌های تاریخی - فرهنگی شهر بوده است.

این روند، پیامدهای اجتماعی زیر را باعث شده است:

- غلبه احساسی عمومی، هرچند اشتباه، مبنی بر کم‌کاری از جانب متولی میراث فرهنگی و بی‌نتیجه بودن تملک‌ها و تخریب‌ها در زندگی جمعی شهروندان سلطانیه و منطقه زنجان،
- غلبه احساسی عمومی، هرچند اشتباه، مبنی بر بی‌فایده بودن و بی‌تأثیر بودن گنبد در اعتلای زندگی اهالی (علی‌رغم نقش ارزنده گنبد در جایگاه بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای سلطانیه و اهالی آن)،
- غلبه وجوه بازدارندگی منتج از ضوابط و قوانین حفاظت‌های حریمی گنبد از قبیل ممنوعیت ساخت‌وساز در ارتفاع‌های مورد تقاضای مردم.

۳-۵. تعارض گروه‌های اجتماعی شاغل در محدوده عرصه گنبد و ارگ با نظام شغلی مرتبط با حفاظت و مرمت
شناسایی این دسته عوامل، مبتنی بر تحلیل منابع شفاهی ردیف‌های ۴ و ۵ (جدول شماره ۱) و نیز منابع مکتوب ردیف‌های ۱ و ۲ (جدول شماره ۲) است. شرایطی که در روند شکل‌گیری این دسته عوامل مؤثر بوده‌اند، عبارتند از:

- موقت بودن بسترهای شغلی میراث فرهنگی در این مجموعه، توأم با نبود هر گونه ساختار استخدامی برای نیروهای شاغل،
- تأمین اعتبار حقوق و دستمزد نیروهای شاغل از محل اعتبارات عمرانی (عدم تبعیت از نظام پرداخت هماهنگ کشوری و خدمات مرتبط) و در نتیجه اختلالات پرداخت در مقیاس ماهیانه. این روند باعث بروز پیامدهای اجتماعی زیر شده‌اند:
- تعمیم تنش‌های ایجاد شده از اختلالات، به خانواده‌ها و جامعه بومی شهر کوچک سلطانیه،
- تعمیم تنش‌های ایجاد شده از اختلالات، به بدنه اداری شهر و استان،
- عدم ایفای نقش مثبت و مؤثر کارکنان مجموعه نسبت به میراث فرهنگی در میان مردم به عنوان نخستین سفیران اجتماعی این سیستم در جامعه.

۴. تحلیل یافته‌ها

بر مبنای یافته‌های تحقیق، می‌توان مشاهده کرد که چنانچه رویکردهای اتخاذ شده مرتبط با مفهوم میراث فرهنگی در مواجهه با زندگی مردم، به نحوی باشد که منجر به شکل‌گیری برداشت‌های اجتماعی منفی نسبت به موضوع شود، پیامدهای خاصی را در بروز تعارض‌های اجتماعی به دنبال خواهد داشت. راه و رسم برنامه‌ریزان و مجریان (متولیان حوزه میراث فرهنگی) می‌تواند راه و رسم مردم را تحت‌الشعاع قرار دهد (ارونسون، ۱۳۸۷: ۳۶۲)؛ به عبارت دیگر با آن که معمولاً در نگاه نخست به نظر می‌رسد تغییر

تغییر تدریجی انتظارات اجتماعی نسبت به نهاد متولی میراث فرهنگی مبنی بر تملک سایر محدوده‌ها و اراضی باستانی شهر از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی این روند است.

۳-۳. بر خوردهای ناهماهنگ و مقطعی در فرآیند اجرایی تملک‌های عرصه و شهر

این دسته از عوامل، از تحلیل منابع شفاهی ردیف‌های ۳ و ۵ (جدول شماره ۱) و نیز منابع مکتوب ردیف‌های ۱ و ۲ (جدول شماره ۲) استنتاج شده است. بررسی این منابع نشان می‌دهد که اتفاقات زیر در روند شکل‌گیری این دسته عوامل مؤثر بوده‌اند:

- مبادرت نهاد متولی میراث فرهنگی به تملک در عین عدم تخصیص اعتبار یکپارچه در شروع امر،
- متقاعدسازی مالکان به تخلیه و واگذاری مایملک خود؛ گاه بدون دریافت هیچ‌گونه وجهی، صرفاً با اتکا به حس اعتماد ایشان مبنی بر دریافت وجوه مربوطه در آینده نزدیک،
- عدم موافقت نهاد متولی میراث فرهنگی با تملک دیگر عرصه‌های باستانی شهر در خارج از محدوده عرصه ارگ گنبد،
- نبود نظام اجرایی جامع و حساب شده در مساحی و ارزش‌گذاری املاک و نیز اولویت‌بندی خریدها،
- نبود نظام اجرایی جامع و حساب شده در پیشگیری از بروز تکرر در تقاضاهای فروش توسط افراد مختلف تحت عنوان مالک یا مالکان صوری یا واقعی (مسأله‌ای که هم اکنون، پس از گذشت سال‌ها، در مورد احراز مالکیت چندین پلاک‌ها به معضلی جدی مبدل گردیده است).

این روند، پیامدهای اجتماعی زیر را به دنبال داشته است:

- کاهش اعتماد مردم نسبت به میراث فرهنگی،
- احساس پشیمانی از اعتماد خود و واگذاری‌های صورت پذیرفته،
- بروز ناهنجاری‌های رفتاری در نحوه مواجهه افراد و گروه‌ها با موضوع از قبیل، دعای فیزیکی، گلایه و گریه و نفرین، یأس و ناامیدی.
- بروز نگرش‌های منفی ناشی از ایجاد فرصت‌های اقتصادی متفاوت میان مالکان نسبت به یکدیگر؛ منتج از فرآیند تملک‌های صورت پذیرفته،
- ایجاد نگرش منفی اجتماعی مبنی بر نبود توازن در میزان ارزش افزوده وجوه دریافتی در مقایسه با یک دهه پیش تا کنون،
- بروز برخی ابهام‌ها یا اختلاف‌ها در کارشناسی املاک پس از تخریب در شرایط فعلی^{۱۶}.

۳-۴. اختلال در سامان‌دهی محوطه پیرامون گنبد و دیگر محدوده‌های تاریخی - فرهنگی شهر

شناسایی این دسته عوامل، حاصل بررسی منابع شفاهی ردیف‌های ۳ و ۵ (جدول شماره ۱) و نیز منابع مکتوب ردیف ۱ (جدول شماره ۲) است. آنچه در روند شکل‌گیری این دسته عوامل تأثیر خود را نشان می‌دهد، تمرکز عمده عملیات مرمت و احیای مجموعه در بخش تزیین‌ها و بدنه‌های تربت‌خانه و گنبدخانه است که توأم با

در نگرش موجب تغییر در رفتار می‌شود، ولی یافته‌های اخیر حوزه روان‌شناسی اجتماعی، دلالت بر فرآیند معکوس نیز دارد، بدین معنا که تغییر در رفتار می‌تواند موجب تغییر در نگرش گردد (ارونسون، ۱۳۸۷: ۳۶۳). لذا انتظار می‌رود تغییر در برنامه‌ها و فرآیندهای اجتماعی حوزه میراث فرهنگی، منجر به بروز تغییر در رفتارهای اجتماعی مرتبط شده و بالتبع تغییر در نگرش‌ها را نیز به دنبال داشته باشد.

با تحلیل یافته‌ها، این نکته قابل برداشت است که به جای تأکید صرف بر ضوابط، رویکردها و نگرش‌های عموماً کالبدی، لازم است وجوه احترام‌انگیز و انگیزش‌زای انسانی و اجتماعی جامعه حاضر و آتی نیز در ترکیب با جمیع ارزش‌های میراثی آثار تاریخی - فرهنگی مورد توجه و تأکید قرار گیرند؛ به عبارت دیگر، شایسته است رویکردهای برنامه‌ریزی و مدیریتی نسبت به میراث فرهنگی بر این واقعیت استوار گردد که در حقیقت احساس شود اصل «احترام به ویژگی‌ها و تمایلات جامعه» در مسیر صواب آن مد نظر قرار می‌گیرد. لازم است این موضوع به عنوان نیاز و خواسته‌ای عمومی در حوزه میراث فرهنگی معماری از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. در این باره، مطالعات ناظر بر هنجارهای اجتماعی حاکی از آن است که توجه و احترام به مردم، انگیزه مشارکت در امور و کار بهتر را تقویت می‌کند (بدار، ۱۳۸۷: ۲۵۱). از سوی دیگر حداقل در دهه اخیر، اجرایی شدن تفکر حفاظت پایدار از میراث فرهنگی در جوامع مختلف، به‌طور مشخص به مشارکت گروه‌های محلی در فضایی آمیخته به حداقل تنش و تعارض وابسته بوده است (Baig, 2005: 1).

هم‌سویی امر حفاظت، با مجموعه پدیده‌های ذهنی، رفتاری و اکتسابی جامعه که به آن جامعه شخصیت و هویت می‌بخشد، در تأمین زیرساخت‌های حفاظت از عناصر کالبدی تاریخی - فرهنگی حائز اهمیت است (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸۶). چنان‌چه حفاظت کالبدی از عناصر معماری به عنوان امری مستقل یا بیگانه با تعاملات اجتماعی جامعه مرتبط با آن تلقی شود، قطعاً چالش‌های متعددی، از جنس آن‌چه هم اکنون میراث فرهنگی در سلطانیه با آن مواجه است، بروز خواهد کرد. حفاظت فرهنگی - اجتماعی لازمه و پیش‌نیاز حفاظت کالبدی از آثار معماری است. از این طریق است که بینش و انگیزش کافی در مورد امر حفاظت ایجاد می‌شود و تأمین اهداف کلان از فرآیندهای حفاظت و مرمت معماری، به واسطه توان‌مندسازی اجتماعی و ظرفیت‌سازی این‌بیه در جهت ایفای نقش در زندگی مردم قابل حصول خواهد شد. این امر از نخستین ملزومات تحقق مشارکت‌های اجتماعی در حفاظت از میراث معماری محسوب می‌گردد (Imon, 2005: 19).

هر جامعه‌ای، از جمله جامعه سلطانیه و گروه‌های اجتماعی آن، به لحاظ توان‌مند شدن در امر حفاظت، ظرفیت‌هایی دارند که لازم است ضمن تقویت در مسیر صحیح و اصولی هدایت و به‌سامان گردند. چنان‌چه بتوان باورهای این جوامع را به سمت احساس مثبت و معرفت اصولی، توأم با ایجاد انگیزش‌های مشارکتی مورد نیاز در امر حفاظت معماری، سوق داد، می‌توان به موفقیت و

خودجوشی مورد نیاز امیدوار بود و در فضایی آمیخته به تعامل مثبت و نه تعارض، برای پیشبرد امور برنامه‌ریزی کرد. لذا توجه به افراد و گروه‌های اجتماعی با هدف توان‌مندسازی توأم با ایجاد تعامل و تعادل میان آن‌ها و میراث فرهنگی از لازمه‌های ارتقای کیفیات حفاظت در جامعه سلطانیه محسوب می‌گردد؛ چرا که بر اساس اصول روان‌شناسی اجتماعی، انسانی که خود را در معرض مشاهده و مطالعه می‌بیند سعی می‌کند (گاهی حتی بدون آن که متوجه باشد) خودش را با شرایط موجود سازگار کند و (به طریقی کمابیش معنادار) نگرش‌ها و عقایدش را مورد بازنگری یا تغییر قرار دهد (دورماگن، ۱۳۸۹: ۱۸). در این باره، توجه به ارزش‌های بومی توأم با تلاش، در جهت بهبود روابط اجتماعی و کیفیات اقتصادی، از جمله مواردی است که در دیگر تجربه‌های مرتبط با کنترل تعارضات و ایجاد تعاملات و مشارکت‌های مردمی در زمینه‌های مختلف حفاظتی، مرمتی یا بازسازی، نیز مثبت ارزیابی شده‌اند (Castellanos, 2004: 94).

برنامه‌ریزی و انجام سلسله اقداماتی که منجر به ارتقای شناخت و آگاهی مردم نسبت به مجموعه امور مرتبط با آن‌ها گردد، از منظر علوم حفاظت و نیز اصول و مبانی انسانی و اسلامی، به تأکید مورد توجه بوده است (فارابی، ۱۹۸۶: ۵۶). در نمونه موردی این تحقیق مشاهده شد، مجموعه اقدامات حفاظتی - مرمتی عموماً با توجه خاص به مسائل و مبانی کالبدی و در شرایطی صورت پذیرفته که جامعه بومی ساکن در سلطانیه به تدریج نه تنها خود را جدای از گنبد احساس نموده، بلکه در فضایی آمیخته به عدم شناخت و سوء برداشت‌های متعدد، در تعارض با آن قرار گرفته است. این تعارض تا آن‌جا پیش رفته که جامعه بومی به جای نگرش و احساس عاطفی مثبت نسبت به این اثر ثبت جهانی، گاه آن را عامل مستقیم عدم توسعه و پیشرفت شهر خود معرفی می‌کند. از این رو، دور از ذهن نخواهد بود اگر جامعه بومی ریشه بخشی عمده‌ای از مسائل و مشکلات خود را به ضوابط، مقررات و عملکرد حوزه میراث فرهنگی مربوط به گنبد نسبت دهد و به تبع آن، اقدامات حفاظت‌محور را چندان مورد استقبال عمومی قرار ندهد.

بنابر این در پاسخ به این مسأله که چرا نسبت به اقدامات حفاظت‌محور تمایل عمومی وجود ندارد، و وجه عینی آن در قالب تأثیرات اجتماعی منفی مشهود است، می‌توان به دو عامل دارای اهمیت بیش‌تر اشاره کرد: ۱- احساس نگرانی نسبت به بروز خدشه در آزادی عمل و حدود اختیارات خود، ۲- احساس نگرانی نسبت به بروز خدشه در حفظ کنترل بر زندگی خود (بارون، ۱۳۸۸: ۵۱۷). لذا ضرورت دارد احساس نگرانی‌های ناشی از بروز محدودیت‌های یادشده برای مالک یا مالکان پس از ثبت اثر در فهرست آثار ملی، کنترل و برطرف گردند. این نگرانی‌ها در شرایطی تشدید می‌شوند که مشاهده شود نه تنها خدمات ویژه‌ای پس از فرایند ثبت و اقدامات مرتبط با آن به ایشان تعلق نخواهد گرفت، بلکه امکان عمل به حداقل تعهدات سازمانی میراث فرهنگی در قبال سامان‌دهی‌های ثبتي در فضایی به دور از چالش‌های متعدد با

تردید مواجه است. عدم توانایی در پوشش تعهدات سازمانی، به کاهش اعتماد مردم و بروز نگرش‌های اجتماعی منفی منجر خواهد شد. این رابطه علت و معلولی از منظر مباحث متعدد اجتماعی، انسانی و اسلامی اغلب مورد توجه قرار گرفته است (حرّالعاملی، ۱۴۰۳: ۴۲۵). بررسی علل یاد شده نشان از ضرورت بازنگری در ضوابط، قوانین و نحوه مواجهه متولیان میراث فرهنگی با موضوع، پیش و پس از ثبت اثر، دارد.

توجه و تأکید نسبت به الگوهای جلب رضایت و مشارکت اجتماعی در حفاظت و مرمت معماری، به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان در کنترل و درمان فواصل و تعارض‌های اجتماعی با موضوع میراث فرهنگی، امری است تجربه شده که نتایج مثبت و ارزنده‌ای به دنبال داشته است (Akar, 2006: 717). بر مبنای دانش و تجارب موجود و حسب برداشت از دیدگاه‌های متخصصانی چون آل. بات^{۱۷}، س. گرابوسکی^{۱۸}، ا. ویرینگ^{۱۹}، ت. جمال^{۲۰}، ا. استیرونا^{۲۱} و ک. تی مور^{۲۲} نخستین شرط در رفع تعارض‌های اجتماعی و به دنبال آن، جلب مشارکت‌های عمومی، بازشناسی علل بروز تنش و تعارض‌ها و تبیین نحوه مشارکت افراد و گروه‌های ذی‌نفع در امر حفاظت از آثار تاریخی - فرهنگی است (Bott 52: 2011).

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفهوم میراث فرهنگی معماری در نمونه موردی این تحقیق، تا حد زیادی تابعی از عملکرد نهاد متولی میراث فرهنگی است. این موضوع که سازمان میراث فرهنگی دارای عنوانی است که منجر به تأثیرپذیری شدید مفهوم میراث فرهنگی از سازمان میراث فرهنگی در مقیاس اجتماعی می‌شود؛ به عبارت دیگر، بسیاری از افراد منظور از عبارت «میراث فرهنگی» را «سازمان میراث فرهنگی» می‌دانند نه «مفهوم میراث فرهنگی».

یکی از عوامل بروز تعارض‌های اجتماعی که به دنبال تحقیقات صورت پذیرفته، در مقاله حاضر گزارش شد، نحوه و فرایند تعیین و تملک محدوده ثبتی ارگ گنبد سلطانیه است که منجر به بروز پیامدهای منفی اجتماعی گردیده است. علی‌رغم وجود جمیع ویژگی‌های مثبت و ضرورت‌های انکارناپذیر ثبت آثار ارزشمند معماری تاریخی - فرهنگی در فهرست آثار ملی و جهانی و سامان‌دهی‌های پس از آن، مشخص گردید که میان «نوع نگرش تخصصی کارشناسی میراث فرهنگی نسبت به ثبت در آثار ملی» و «نتایج عملی و به تبع آن برداشت‌های اجتماعی نسبت به موضوع» فاصله و اختلاف زیادی می‌تواند وجود داشته باشد. از دیدگاهی کارشناسی، ثبت آثار معماری در فهرست آثار ملی اقدامی مثبت، ارزنده و ضروری است که به نحوی ضمانت ادامه بقا و حفاظت اثر را به دنبال خواهد داشت؛ ولی بررسی برداشت‌های عمومی نسبت به مسائل مرتبط با ثبت، نتایج دیگری نشان می‌دهد. علاوه بر چالش‌های ایجاد شده حاصل از «ثبت» و «سامان‌دهی‌ها و اقدامات پس از ثبت» در عرصه تاریخی - فرهنگی ارگ گنبد سلطانیه و برخی اراضی شهری مرتبط از قبیل رضآباد و قانلوبلاغ - که در متن مقاله نقد و بررسی شده‌اند- پرونده‌های قضایی،

شکوائیه‌ها و تقاضاهای اجتماعی مبنی بر خروج بسیاری از دیگر آثار کشور از فهرست ثبت ملی، مؤید وجود نگرش‌های منفی اجتماعی است. بخشی از پرونده‌های پُرچالش میراث فرهنگی که در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۹ در دیوان عدالت اداری کشور مطرح گردید با موضوع پیگیری خروج چندین اثر معماری از فهرست ثبت آثار ملی از جانب مالکان بوده است^{۲۳}.

از دیگر عوامل بروز تعارض‌های اجتماعی می‌توان به حفاظت حریمی آثار و محدوده‌های ثبت شده تاریخی فرهنگی (تعیین و سامان‌دهی حریم‌ها) اشاره نمود. حفاظت حریمی از آثار و محوطه‌های ثبت شده به لحاظ تخصصی اقدامی ارزشمند و لازم است؛ به نحوی که پس از «ثبت» از مهم‌ترین اقدامات حفاظتی برای بقا و ادامه حیات پویای اثر محسوب می‌شود. بررسی‌های صورت پذیرفته مشخص نمود که ضوابط و فرایندهای حفاظت حریمی در مورد ارگ گنبد سلطانیه، نظیر بسیاری از دیگر محدوده‌های میراث فرهنگی، دارای ساختارهای بازدارنده‌ای است که به ایجاد تنش و محدودیت‌های متعدد برای مالکانی منجر می‌شود که مایملک آن‌ها در محدوده حریم‌ها واقع شده‌اند. این امر بدین معناست که چنانچه ملک فرد در محدوده تعیین شده حریم اثر ثبت شده تاریخی - فرهنگی واقع گردد؛ وی با مجموعه‌ای از مشکلات و باید و نبایدهای بازدارنده مواجه می‌شود، بی‌آنکه منفعت اجتماعی یا جایگاه ویژه‌ای را برای او به دنبال داشته باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این نوع نحوه برخورد با موضوع تعیین و سامان‌دهی حریم‌های حفاظتی منجر به عکس‌العمل‌های متعدد اجتماعی یا حداقل نارضایتی شدید بسیاری از افراد ذی‌نفع می‌شود. در این حالت به جای بازتاب پیامدهای مثبت و ارزشمند اقدامات حفاظتی حریمی، وجه منفی و نگران‌کننده آن به شدت مد نظر جامعه قرار می‌گیرد و تبعات منفی خاص خود را ایجاد می‌نماید. از جمله پیامدهای منفی می‌توان به عدم استقبال از قرارگیری در محدوده‌های حفاظت حریمی، شکل‌گیری انواع تلاش‌های هنجار و ناهنجار اجتماعی برای قرار نگرفتن یا خروج از این محدوده‌ها، دعاوی و شکایات متعدد و حتی عکس‌العمل‌های اداری دیگر نهادهای ذی‌نفع نسبت به موضوع اشاره نمود.

در مورد ارگ سلطانیه، شایسته‌ترین راه‌کارهایی که در جهت تغییر نگرش و رفتارهای اجتماعی، در این شهر در باره میراث فرهنگی، می‌توان مطرح نمود عبارتند از:

- ضرورت سامان‌دهی محوطه و حریم‌های ارگ سلطانیه،
- تعیین تکلیف تملک‌ها و پایان دادن به مسائل مالی حق‌التملیک‌ها،
- سامان‌دهی محدوده‌های میراثی شهر با تأکید بر اراضی ورودی شمالی آن و نیز محورهای تاریخی فرهنگی در محدوده عناصر تاریخی شاخص هم‌چون؛ گنبد، چلیپ اوغلی، تپه نور، آرامگاه ملا حسن کاشی،
- تعریف، تبیین و آموزش دیدگاه‌های اجتماعی ارزشی در ارتباط با مبانی مرمت، احیا و توسعه شهر توأم با ارزش‌گذاری بر نقش و جایگاه مردم و میراث فرهنگی،

- برقراری نظام‌های مشارکت اجتماعی در حفاظت مبتنی بر شیوه‌های ایجاد انگیزش با تأکید همه‌جانبه بر وجوه بومی، هویتی، منزلتی و آسایشی جامعه،
- توجه به تأمین زیرساخت‌های حفاظتی مبتنی بر مشارکت‌های بومی.

پی‌نوشت‌ها

۱. از آن جا که مورد پژوهی این مقاله معطوف به میراث معماری، شامل ابنیه و بافت‌های تاریخی، است، لذا عنوان میراث فرهنگی معماری دقیق‌تر به نظر می‌رسد، ولی در متن مقاله از عنوان کلی و رایج میراث فرهنگی استفاده شده است، با این توضیح که مقصود از آن، در همه‌جا، بخش معماری میراث فرهنگی یا همان میراث معماری است.

2. Social Conflicts

منظور از تعارض اجتماعی با میراث معماری و حفاظت از آن، فرایندی است که بر آن اساس افراد یا گروه‌های اجتماعی تصور نمایند اقداماتی که در باب حفاظت از میراث معماری صورت پذیرفته یا صورت خواهد پذیرفت با منافع آن‌ها ناهمسان است؛ لذا به تبع آن علیه میراث معماری و حفاظت از آن به نحوی حساسیت یا عکس‌العمل نشان می‌دهند.

۳. رک مکاتبات و گزارش‌های مصوب سالیانه پایگاه میراث جهانی گنبد سلطانیه از ۱۳۸۰ ه.ش تا ۱۳۹۰ ه.ش.

۴. اندر آمد دیگری گفت این چنین / اندکی آن وهم افزون شد بدین هم چنین تا وهم او قوت گرفت / ماند اندر حال خود بس در شگفت مولانا، مثنوی، دفتر سوم

5. Atkinson

6. McClelland

7. Maslow

۸. از خیال بد مر او را زشت دید / چشم فرع و چشم اصلی ناپدید مولانا، مثنوی، دفتر دوم

۹. صفت: Attribute

۱۰. ادراک: Perception

۱۱. برداشت: Impression

۱۲. باور: belief

۱۳. پیش‌داوری: Prejudice

14. Social Attitude and Behavior Research

15. Empowerment of the people

۱۶. حسب گفتگوهای صورت پذیرفته مستقیم مؤلفین با نمونه‌های تحقیق حاضر، نگرش‌های منفی ایجاد شده توأم با تأثیرات روحی روانی منتج از این شرایط برای برخی از مالکین بسیار نگران‌کننده می‌نماید؛ در این ارتباط وضعیت خانم بتول عبداللهی همسر مرحوم علی حیدری در شرایطی کاملاً بحرانی ارزیابی شده است.

17. A. L. Bott

18. S. M. Grabowski

19. S. Wearing

20. T. Jamal

21. A. Stronza

22. S. Timur

۲۳. پرونده‌های قضایی مربوط به عمارت صبا در تهران، بیمارستان مسیح در کرمانشاه، مدرسه تقوای پیشگان در تهران، خانه محمد نصر در شیراز، خانه‌های صداقت، زند نوایی، اتحادیه و خانه پدری پروین اعتصامی در تهران، سرای میخ‌چی در رشت و ... از دیگر نمونه‌های پرچالش مرتبط با موضوع هستند.

فهرست منابع و مراجع

۱. ارونسون، الیوت (۱۳۸۷)، **روان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه دکتر حسین شکرکن، انتشارات رشد، چاپ پنجم، تهران.
۲. اسماعیلی، علی و بهمن ابراهیمی و سیاوش شایسته (۱۳۸۹)، **روان‌شناسی اجتماعی**، نشر شلاک، تهران.
۳. بارون، رابرت و دان بیرن و نایلا برنسکامب (۱۳۸۸)، **روان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه دکتر یوسف کریمی، نشر روان، چاپ دوم، تهران.
۴. بدار، لوک و ژوزه دزیل و لوک لامارش (۱۳۸۷)، **روان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه دکتر حمزه گنجی، نشر ساوالان، چاپ ششم، تهران.
۵. بلیک مور، کن (۱۳۸۹)، **مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی**، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ بیستم، تهران.
۶. پارسا، محمد (۱۳۸۳)، **زمینه‌روان‌شناسی نوین**، نشر بعثت، تهران.
۷. پی‌بونک، آبراهام و مارک ون و گت (۱۳۸۹)، **روان‌شناسی اجتماعی کاربردی (از مشکلات تا راه حل‌ها)**، ترجمه دکتر مجید صفاری نیا و پرستو حسن زاده، نشر ویرایش، چاپ اول، تهران.
۸. حرّالعملی، محمد ابن الحسن (۱۴۰۳ ه.ق.)، **وسایل الشیعه**، نشر اسلامیه، تهران.
۹. حق‌آمبر و یاسین محمد (۱۳۹۰)، **علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی**، ترجمه مهدی گنجی، ساوالان، چاپ اول، تهران.
۱۰. دوچ، مورتون و روبرت م. کراوس (۱۳۸۶)، **نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه دکتر مرتضی کتبی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، تهران.
۱۱. دورماگن، ژان ایو و دانیل موشار (۱۳۸۹)، **مبانی جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر آگه، چاپ اول، تهران.
۱۲. فارابی، ابونصر (۱۹۸۶)، **الملکة و نصوص اخری**، انتشارات دارالمشرق، چاپ دوم، بیروت.
۱۳. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، **انسان‌شناسی شهری**، نشر نی، چاپ ششم، تهران.
۱۴. کاندای، زیوا (۱۳۸۸)، **شناخت اجتماعی**، ترجمه دکتر حسین کاویانی، انتشارات مهر کاویان، چاپ چهارم، تهران.
۱۵. مجموعه میراث جهانی گنبد سلطانیه، آرشیو.
۱۶. مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۵)، **مثنوی معنوی**، انتشارات ناهید، تهران.

17. Akar, T. (2006), A social survey for the public participation in the conservation of historical commercial center of Adana, faculty of architecture. Ankara: 1st International CIB Endorsed METU Postgraduate Conference Built Environment and Information Technologies, 717-728.
18. Baig, A. (2005), Community Participation in the Revitalization of World Heritage Cities. Presentation during the 8e OWHC World Symposium in Cusco, Peru - September 19-23, viewed 1 January 2012, <<http://urbo.ovpm.org/index.php?module=pagesetter&func=viewpub&tid=4&pid=25>>.
19. Barillet, C., and T. Joffroy, and I. Longuet, and others (2006), A Guide for African Local Governments Cultural Heritage & local development, Grenoble: CRATerre-ENSAG/ Convention France-UNESCO.

20. Bott, A. L., and S. M. Grabowski, and S. Wearing (2011), Stakeholder Collaboration in a Prospective World Heritage Area: The case of Kokoda and the Owen Stanley Ranges, *Cosmopolitan Civil Societies: An Interdisciplinary Journal*, Vol. 3, No 2 (2011), viewed 20 December 2011, <<http://epress.lib.uts.edu.au/ojs/index.php/mcs/article/viewArticle/1812>>
21. Castellanos, C. and F. Descamps (2004). *Joya de Ceren, El Salvador: Site interpretation in participatory management planning*. Oxford: Blackwell Publishing, museum international, ISSN 1350- 0775, no.223. vol. 56. No. 3. 94- 101.
22. Chapagain, N. K. (2008), *Heritage Conservation in Nepal: Policies, Stakeholders and Challenges*. Madison, WI(USA): 3rd Annual Himalayan Policy Research Conference, viewed 1 January 2012, <http://scholar.google.com/scholar?cluster=241315302703609821&hl=en&as_sdt=0,5>
23. Dahlberg, A. C., and C. Burlando (2009), Addressing trade-offs: experiences from conservation and development initiatives in the Mkuze wetlands, South Africa. *Ecology and Society* 14(2): 37, viewed 3 December 2011, <<http://www.ecologyandsociety.org/vol14/iss2/art37/>>
24. Ercan, M. A. (2010), Searching for a Balance Between Community Needs and Conservation Policies in Historic Neighborhoods of Istanbul. *European Planning Studies*, Volume 18, Issue 5.
25. Imon, S. S. (2005), Stakeholder Participation in Cultural Heritage Management. Hanoi: Asian Academy for heritage management, 2nd Field School, viewed 3 December 2011, <http://www.asian-academy.org/templates/aahm/stories/network-activities/AAHM-2nd_FS-Public_Participation-05_Dec_05.pdf>